

عشق ابدی

اول پترس 1؛ 8-12



8 با وجود اینکه تا به حال مسیح را ندیده‌اید، او را دوست دارید و با اینکه اکنون هم او را نمی‌بینید، به او ایمان دارید و با شادی عظیم و پرشکوه که غیرقابل توصیف است، شادمان هستید و نتیجه نهایی ایمان شما این خواهد بود که جانهای خود را نجات می‌دهید 10. در خصوص این نجات، انبیاء نه فقط پیشگویی کردند که از راه فیض خدا به شما خواهد رسید، بلکه مطالعه و تحقیقی عمیق درباره آن نموده‌اند 11 و وقتی روح مسیح که در آنها بود، درباره زحماتی که مسیح می‌بایست متحمل شود، جلالی که به دنبال آنها خواهد آمد پیشگویی کردند، آنها سعی می‌کردند بدانند که

زمان وقوع آن چه موقع خواهد بود و چگونه خواهد آمد 12. اما آنها فقط به این حقیقت پی بردند که مأموریت آنان به‌خاطر خودشان نبود، بلکه برای شما بوده است. کسانی که بشارت انجیل را به شما دادند با کمک روح القدس که از عالم بالا فرستاده شده است، این حقایق را به شما گفته‌اند؛ حقایقی که حتی فرشتگان آرزوی درک آنها را دارند.

در تمام شهرهای آلمان آدم می‌تواند پوسترهایی را ببیند که روی آن عکس‌های مرد ها و زن های زیبا را زده اند و زیر آنها نوشته شده است که در هر 11 ثانیه دو نفر عاشق هم می‌شوند. عکس‌های زیبایی که توسط آنها نمایش داده می‌شود این را نمایان می‌سازد که عشق می‌تواند خیلی ساده باشد. و آدم با چند کلیک بر روی عکس‌ها یک نفر تبدیل به شاهزاده و یا شاهزاده خانم می‌شود ولی این را همه می‌دانند که این روابط در عمل چیز دیگری می‌باشند. در این روابط در مرحله اول هر دو نفر به ارزیابی هم دیگر می‌پردازند که آیا آنها نکات مشترکی دارند و از همه مهمتر این است که آیا آنها می‌توانند در هر شرایط سختی پشت هم باشند یا نه مثلاً در زمان بیماری. وقتی که در نزد ما مسیحیان سوالی درباره ایمان مان بشود همیشه به این سه نکته اشاره می‌شود. که همان حالت زندگی ما در ایمان مسیحی می‌باشد که ما چطور در زمان‌های دشوار زندگی ایمان خودمان را هنوز پایدار نگه داریم. در دادگاههای پناهندگان همیشه این سه سوال از آنها پرسیده می‌شود: تو چه طور به ایمان مسیحی روی آورده‌ای. زندگی مسیحی تو الان به چه گونه می‌باشد؟ و سوال آخری: تو با وجود تهدیدها و مجازات مرگ، زندگی مسیحی خودت را در وطن خودت به چه صورت ادامه می‌دادی؟ در جواب این سوال که چرا به دین مسیحیت روی آورده‌ای، اغلب افراد به این اشاره می‌کنند که آنها از دین اسلام ناامید شده بودند. برخی هم از خواب‌ها و یا تخیلات خودشان که دیده‌اند می‌گویند. این چیزهایی که این افراد عنوان می‌کنند گواه از حقیقی بودن ایمان مسیحی می‌باشد. من تمام این سخنانی که این افراد از زمان مسلمان بود نشان گفتند را میل دارم که باور کنم. من این جواب‌ها را همانند آن حالتی می‌بینم که آن دو نفر در یک سایت اینترنتی عاشق هم می‌شوند. همه اینها شامل حالت‌های بیرونی می‌باشند و تنها اینها همه نمی‌توانند شامل دین کامل مسیحیت بشوند. در نامه اول پترس این سخنان این چیز را اشکار می‌کند: شما او را ندیده‌اید ولی به او عشق می‌ورزید و با وجود این که شما او را ندیده‌اید باز هم به او ایمان دارید. در یک سایت دوستیابی این مهم است که شخص مورد نظر ظاهر خوبی داشته باشد. ولی در مسیحیت اینگونه نیست ما هیچ عکسی از عیسی ندیده‌ایم. و با توجه به این ما به او اعتقاد داریم و این عمل چگونه اتفاق می‌افتد را ما هنوز نمی‌توانیم دلیلی برای آن بیاوریم. ما نمی‌توانیم دلیلی برای این عمل بیاوریم زیرا ما در این کار هیچ تصمیمی نگرفته‌ایم بلکه این خود عیسی بوده است که ما را انتخاب کرده است. قبل از اینکه ما فکری از او داشته باشیم او برای ما در بالای صلیب مرده است. و آن زمانی که او بر شیطان و مرگ غلبه کرد، محبت او برای ما ثابت شد. روح القدس هم بعد از این عمل عیسی بر روی تک‌تک ما انسان‌ها کار کرده است تا بتوانیم به خدا ایمان بیاوریم و به سوی او برویم. من در زمانی که کودک بودم غسل گرفتم و به نزد عیسی آمدم. من آن روز را نمی‌توانم به خاطر بیاورم ولی این را می‌دانم که یک مسیحی هستم. من از تجربه‌های خودم نمی‌توانم به این اذعان داشته باشم ولی این امر را عیسی ثابت می‌کند. نامه پترس این را اشکار می‌کند که ایمان آوردن ما انسان‌ها از روی تصمیمات و از روی امیال و دید ما نمی‌باشد بلکه این‌ها همه از سوی کلام خداوند می‌باشند. چیزهایی که پیامبران گذشته گفته‌اند در عیسی نمایان شده است. انجیل عیسی هم ما را به ایمان فرا می‌خواند و ما را در آن نگه می‌دارد. اینها همه برای ما انسان‌های مدرن کمی دشوار است که باور داشته

باشیم. ما وقتی به چیزی ایمان داشته باشیم اصولاً آن ایمان در زندگی ما تاثیر و نقش بسزایی دارد. به همین دلیل است که قاضی های دادگاه دوست دارند که این تاثیرات و اتفاقات را در زندگی ما ببینند و از آنها مطلع شوند، که برای ما چه اتفاقاتی رخ داده است که باعث شده ما دین خودمان را تغییر دهیم. همچنین ما انسانهای مدرن دوست داریم بدانیم که این ایمان چه چیزی را می تواند در زندگی ما تغییر دهد. آیا آن برای من پول به همراه می آورد؟ آیا آن برای من احساس خوبی به همراه می آورد و یا آیا من زندگی خوبی در آلمان خواهم داشت؟ من در جواب همه اینها می گویم که همان طور که خدا گفته من فقط یک مسیحی هستم. من چیز دیگری را نمی دانم که چه هست ولی این را می دانم که دلیل آوردن در این زمینه هم مشکل می باشد. ما در این زمینه خیلی چیزها را می توانیم ببینیم و حس بکنیم ولی این حس ها هم می توانند ما را گول بزنند مثلاً ما در کلیسای خودمان افراد با ایمانی داشتیم که خیلی فعال بودند ولی بعد از مدتی و بر اثر برخی از اتفاقات ناپدید شدند. حس این افراد بسیار قوی بود ولی این افراد نمی توانستند این حس را به مدت طولانی نگه دارند. در ایمان مسیحی ما دنبال یک رنگ زیبا همانند آن سایت اینترنتی نمی گردیم بلکه ما دنبال محبتی هستیم که همیشه برای ما باقی می ماند و با آن زندگی بکنیم. و همه اینها عملی می شود اگر ما همه چیز مان بر اساس کلام خدا باشد. بزارید تا ما این کلام را توضیح بدهیم. وقتی که من سخن می گویم اغلب از تجربات خودم سرچشمه می گیرد و یا از احساساتی که در وجودم می باشد. و من نمی توانم از کلام خودم چیز دیگری به وجود بیاورم. و برای همین است که کلام خدا با کلام ما فرق دارد. در انجیل کلام خدا فقط به معنی یک واژه نمی باشد بلکه آن از عملی که رخ داده گواهی دارد. وقتی که خدا سخن می گوید یک جهان به حرکت در می آید. و یا یک تغییری به عمل می آید چیزی که در قدیم وجود نداشته است. و برای همین ما این را متوجه می شویم که چرا کلام خدا انقدر مهم است. وقتی که خدا سخن می گوید تمام هستی منتظر یک تغییر بزرگی از طرف او می باشد. و ما مسیحیان هم زندگی مان را بر روی همین کلام خدا بنا می کنیم. و زمانی که فردی بخواهد کلام خدا را به گونه ای تفسیر کند که آن فقط یک گوی تو خالی است و یا به شکل فرمالیته ای است، او کاملاً در راه اشتباهی قرار می گیرد. ما به این انسان ها این را می توانیم بگوییم که کلام خدا به شکل فرمالیته ای نمی باشد بلکه آن قدرتی دارد که من را از شیطان و مرگ و گناه می رها کند. ما همه اینها را نمی توانیم به راحتی باور کنیم ولی زمانی که ما در زمان غسل تعمید کلام خدا را می پذیریم تاثیر کوچکی بر روی ما رخ می دهد. من با غسل خودم نمی توانم دلیل بزرگی را به دنیا نشان دهم. ولی خدا می خواهد با غسل ما دید ما را به او معطوف تر سازد. ما در ابتدا پیامبران عهد قدیم را می بینیم. آنها نمی توانستند عیسی را ببینند و یا بدانند که چه چیزی برای او اتفاق خواهد افتاد. آنها فقط اعتماد کردند زیرا کلام خدا قابل اطمینان کردن است. و برای این که ما به او اطمینان می کنیم خدا دوست دارد که دیدی به ما بدهد تا ما آینده خودمان را ببینیم. ما در آینده، انتهای این دنیا را می بینیم. ما می بینیم که این دنیا با تمام مشکلات خودش پایانی دارد. برای همین ما دل به این دنیا نمی بندیم. من دل به تمام کلام خدا می بندم. و با این قدرت من از مرگ خودم رستخیز خواهم کرد. و این ایمان تاثیر گذار ما می باشد. من دوباره به سوالاتی اشاره می کنم که در دادگاه های پناهنده ها می شوند. چرا من مسیحی شده ام... زیرا عیسی من را توسط غسل تعمید فرا خواند است. من چگونه مسیحی باقی می مانم... من این عمل را توسط کلام خدا که من را در زندگی ام همراهی می کند انجام می دهم. و همه اینها را من از جسم و خون عیسی که در مراسم نان و شراب دریافت می کنم بدست می آورم. در جواب این سوال که من در شرایط دشوار ایمان خودم را محکم نگه می دارم این را باید بگویم که: عیسی ارباب ایمان من است. او است که من را به غسل تعمید فرا خوانده و من را در زندگی ام همراهی می کند. من در شرایط دشوار به احساسات خودم تکیه نمی کنم. ولی این را مطمئن هستم که عیسی بر روی حرفی که زده است می ایستد و من و ایمان من را در زندگی ام همراهی می کند. آمین